

## تعلیم و تربیت دینی در سیره امام صادق علیه السلام

### سمانه جهانی<sup>۱</sup>

#### چکیده

در سیره ائمه اطهار علیهم السلام، به عنوان رهبران دینی - سیاسی جامعه مسلمانان، چند اصل زیربنایی وجود دارد که به اندیشه و تفکرات آنان قوام بخشیده و عامل توسعه علمی - فرهنگی حکومت و جامعه اسلامی است. یکی از این اصول، که در این پژوهش به آن پرداخته شده، اصل «تعلیم و تربیت» به ویژه تعلیم و تربیت دینی است. تشویق به یادگیری علم و دانش در تمام زمینه‌های عقلی، نقلی و تجربی، و نیز تربیت دینی از جمله مهم‌ترین تعالیم اسلام است و توجه هر مرد و زن مسلمانی به علم و ادب از ضروریات حرکت و رشد و تکامل به شمار می‌آید. در این نوشتار سعی شده است با تحقیق در منابع اسلامی و بخصوص شیعی تعلیم و تربیت دینی در سیره پیشوای ششم شیعیان و رهبر مذهب تشیع امام صادق علیه السلام مورد بررسی قرار گیرد. روش پژوهشی در این مقاله، اسنادی، توصیفی و کتابخانه‌ای است.

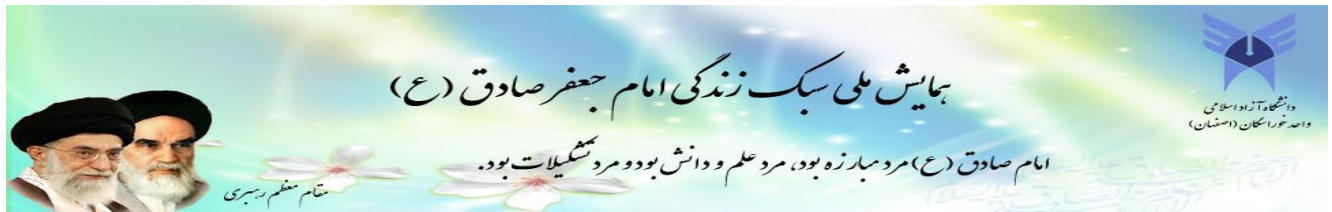
**کلیدواژه‌ها:** تعلیم، تربیت، تعلیم و تربیت دینی

#### مقدمه

تعلیم و تربیت نیاز ضروری بشر است به گونه‌ای که در طول حیات خود، پیوسته بدان نیازمند است. از این رو از دیرباز این امر مورد توجه مریبان بزرگ و مصلحان اجتماعی بوده است. جوامع مختلف با توجه به ضرورت‌های فرهنگی خود، برای نظام تعلیم و تربیت اهداف و خط مشی‌های متفاوتی را اتخاذ می‌نمایند که در امر پویا نگهداشتن جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، مؤثر است. تعلیم و تربیت همواره فرآیندی فرهنگی و در طول زمان‌های گذشته نیز به عنوان ابزاری برای تحکیم تعین فرهنگی و دینی جوامع و ملل بوده است. یکی از مهم‌ترین رسالت‌های تعلیم و تربیت در جوامع امنیت و پاسداری از یک فرهنگ و آیین و دین خاص در مقابل سایر فرهنگ‌ها و تعیین‌های دینی بوده است.

در این میان، نظر به اینکه جوامع کنونی با توجه به بحران‌های مختلف اخلاقی و اجتماعی، رویکرد دوباره‌ای به ایمان و باورهای دینی دارند، توجه به ترویج دین و دینداری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شده است. در دوران فعلی و در کشور ما، نظام تعلیم و تربیت نقش مهمی را در ترویج ایدئولوژی بر عهده گرفته است و در امر ترویج دین (چه به صورت برنامه آشکار یا صریح و چه به صورت برنامه ضمنی) نقش مهم و کارآمدی را بازی می‌کند. (خالق‌خواه و مسعودی، ۱۳۸۹: ۱۲۲). از سوی دیگر از جمله روش‌های مؤثر در تربیت اجتماعی انسان، روش الگویی است. روش الگویی از این جهت اهمیت دارد که موانع بزرگ را از فرا روی انسان بر می‌دارد. زیرا در این صورت انسان می‌فهمد و وصول به هدف، همچنان که برای افراد مورد قبول او هموار شده برای او نیز ممکن خواهد بود و او از تردید و سرگردانی نجات می‌یابد. روش الگویی از این جهت اهمیت دارد که یکی از روش‌های انسان‌کمال‌خواهی است. از این رو انسان برای نیل کمال هر چیزی، از جمله کمال خویش همیشه به دنبال تعلیم و تربیت و فراگیری علم و دانش و کسب مهارت‌های فنی و عملی است تا خویش را از احساس نقص و نیاز، که همواره توجه آدمی را به خود جلب می‌کند برهاند. آنچه در این زمینه مهم است، انتخاب آگاهانه و عالمانه الگوها است. انسان باید با شناخت و آگاهی کامل، الگویی را در زندگی برگزیند که

<sup>۱</sup> کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی - کارشناس فوق برنامه دانشکده فنی و حرفه‌ای سما خاوران واحد مشهد - ۰۹۱۵۶۶۱۷۲۳۴ - ۰۵۱۱۶۶۳۱۰۰۲



تأسی به آن الگو موجب کمال واقعی و مایه عزت و سربلندی او در دنیا و آخرت گردد. چنین الگوی جامع و ایده آل را خدای متعال در قرآن به عنوان اسوه حسنه یاد کرده است. پس از رسول خدا اهل بیت آن حضرت کامل ترین الگوهای نجات بخش برای جامعه بشری هستند و اقتدای به آن بزرگواران همانند تأسی به شخص رسول خدا ص هدایت کننده و سعادت آفرین است (عربی، ۱۳۹۰: ۱۷۰-۱)

توجه به سیره امامان معصوم علیهم السلام برای هدایت اعتقادی، تربیتی و علمی مردم و رساندن آن به آیندگان امری ضروری است.

بر این اساس، می توان گفت: یک اصل اساسی در سیره و رفتار دینی، سیاسی و اجتماعی پیامبران و امامان شیعه علیهم السلام، توجه آنها به تعلیم و تربیت مردم است؛ اصلی که از جمله وظایف و شئون اولیه یک حاکم اسلامی است. بنابراین، هدف از پرداختن به این موضوع، روشن ساختن ساختار سیره آن بزرگواران در زمینه آموزش و پرورش است تا بتوان از این سیره، الگوی مناسبی برای بالا بردن سطح تربیت دینی و دانش جامعه کنونی گرفت از سوی دیگر یکی از بزرگترین موانع موجود در تربیت دینی، ناآشنایی متولیان تربیتی، با مبانی اصیل دینی و ارائه آن به صورت کما هو حق است. امام خمینی قدس سره تربیت را مهمترین امر انسان دانسته و فرمودند: اساس عالم بر تربیت انسان است. تربیت کنید مهم تربیت است علم تنها فایده ندارند علم تنها مضر است. تربیت و تزکیه مقدم بر تعلیم است. (نقل از میرزا محمدی ورسولی، ۱۳۸۹: ۱۲). با توجه به ضرورت و اهمیت ذکر شد، تلاش این نوشتار بر آن است که به مسئله ساختار و نظام تعلیم و تربیت دینی در سیره پیشوای ششم شیعیان و مسلمانان جهان امام صادق علیه السلام، اهمیت، شیوه ها، ابزار و مواد آموزشی و تربیتی این اصل و نقش آنان در روند رو به رشد فرهنگ و تمدن اسلامی با توجه به منابع نقلی و با شیوه تحلیلی - توصیفی پردازد.

## مفاهیم اساسی تحقیق

### مفهوم تعلیم (آموزش)<sup>۲</sup>

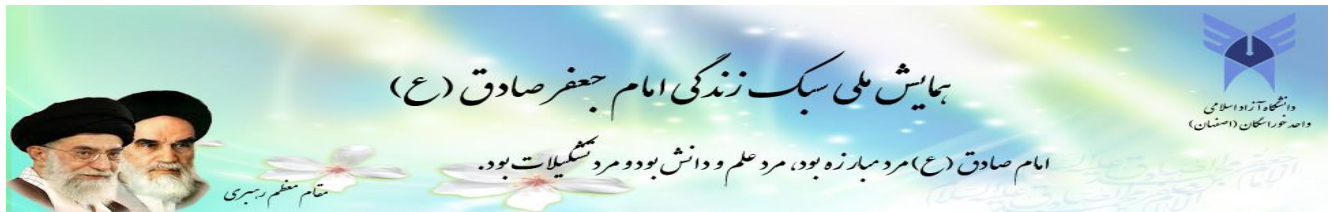
تعلیم یا آموزش به طور کلی دارای دو مفهوم عام و خاص می باشد. در مفهوم عام، شامل هر نوع انتقال مفاهیم و تأثیر گذاری در ذهن فراگیر، به منظور ایجاد یادگیری در وی میباشد خواه این تأثیر گذاری در قالب رسمی و از پیش طرح ریزی شده باشد (همت بناری، ۱۳۹۰: ۳۹). تعلیم به معنای انتقال دانایی به دیگری و فراهم آوردن زمینه رشد و شکوفایی انسان است که به شیوه های گوناگون تحقق می یابد، خواه از طریق وحی باشد و یا غیر آن (یاوری، ۱۳۸۷).

### تربیت

در اینجا سعی شده است تعریف جامعی از بین تعاریف مختلف از تربیت ارائه گردد:

تربیت عبارت است از «فعالیتی هدفمند و دوسویه میان مربی و متربی، به منظور کمک به متربی در راستای تحقق بخشیدن به قابلیت های وی و پرورش شخصیت او در جنبه های گوناگون فردی، اجتماعی، جسمی، عاطفی، اخلاقی و علاقی و...». تربیت فعالیت و عمل است، فعالیت هدفمند و برنامه ریزی شده. از سوی دیگر تربیت دوسویه و در اثر تعامل مطلوب و تأثیر و متأثر متقابل مربی و متربی محقق می شود سوم اینکه تربیت دارای عناصری است و عناصر اصلی آن مربی و متربی است. البته هر چند تربیت دوسویه است اما غرض اصلی کمک به متربی و پرورش وی است. چهارم

<sup>۲</sup> واژه تعلیم عربی است. معادل لاتینی آن EDUCATION و معادل فارسی آن پرورش است.



اینکه هدف تربیت شکوفا نمودن و پرورش قابلیت های متربی در همه ابعاد گوناگون وی است و نگاه بخشی به تربیت و تمرکز آن بر بعد خاصی از ابعاد متربی، نوعی عدول از تربیت مطلوب است. (همت بناری، ۱۳۹۰: ۴۱).

### رابطه تعلیم و تربیت از دیدگاه اسلام

در تحلیل ماهیت و تعریف تعلیم و تربیت این نتیجه حاصل شد که تعلیم و تربیت دو امر تفکیک ناپذیرند؛ تحقق هیچ یک بدون دیگری امکان پذیر نیست. در تفسیر نمونه پس از اشاره به تقدم و تأخر دو واژه تعلیم و تربیت آمده است که این دو امر در یکدیگر تأثیر متقابل دارند. اخلاق یا تربیت زاییده علم است همانگونه که علم زاییده اخلاق است. در روایات اهل بیت نیز در موارد متعدد از همراهی اثر تعلیم، یعنی علم با جلوه های تربیت سخن به میان آمده است. این امر از رابطه وثیق بین تعلیم و تربیت حکایت دارد. از جمله به همراهی علم و هدایت، علم و زهد، علم و عمل، علم و ایمان نیز تأثیر علم در تزکیه و تأثیر آن در قلب به عنوان کانون تربیت و سلوک معنوی و به طور کلی، تأثیر طلب علم (تعلیم) در رشد (همت بناری، ۱۳۹۰: ۴۸). بر این اساس، تعلیم بخشی از تربیت محسوب می شود. به عبارت دیگر، تعلیم شرط لازم تربیت است (یاوری، ۱۳۸۷).

### آشنایی با برخی از اهداف نظام تعلیم و تربیت در سیره امام صادق علیه السلام

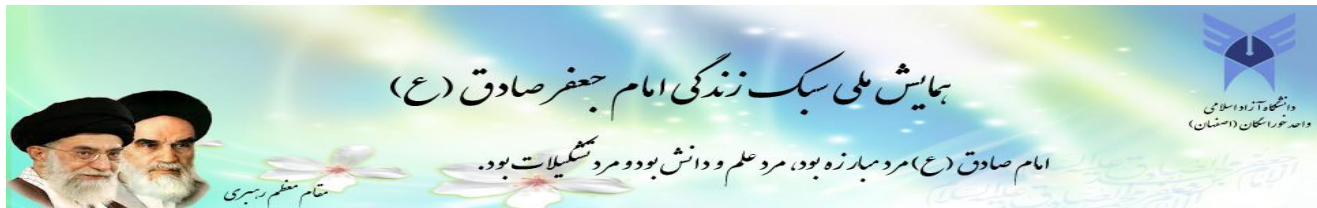
سیره ائمه اطهار علیهم السلام و من جمله سیره امام صادق علیه السلام سرشار از نکات تربیتی در عرصه های مختلف زندگی است. به عبارت دیگر بامدگیری از سیره ایشان می توان اهدافی اساسی مورد نیاز برای نظام تعلیم و تربیت استخراج نمود. در این مقاله به دلیل محدودیت نوشتاری تنها به برخی از آنها اشاره می گردد.

#### ۱. توجه به اصول اعتقادی دین و مذهب

اولین هدف تربیتی ائمه اطهار علیهم السلام در تعلیم و تربیت شیعیان، توجه دادن آنها به اصول دین و مذهب است و در رأس این تلاش، توجه دادن مردم به مباحث توحید در بعد افعال و صفات خداوند، شناخت و ایمان به او و در نهایت، پرستش او به عنوان تنها پروردگار جهان؛ خداوندی که یگانه است و همه امور به دست قدرت اوست. هدف دیگر آنان توجه دادن مردم به حقایق معاد، نبوت و وحی، و امامت است. امامان شیعه علیهم السلام نیز به عنوان جانشینان بر حق پیامبر، مفسران وحی و کلام الهی هستند. آنان به دنبال پی ریزی نظامی تربیتی بودند که از طریق پیامبر و قرآن به پروردگار عالم منتهی می شود (یاوری، ۱۳۸۷).

#### ۲. رشد اخلاقی

یکی دیگر از اهداف تربیتی امامان دین علیهم السلام در تعلیم و تربیت، توجه دادن مسلمانان به اخلاق، آداب اجتماعی، تقوای الهی و رشد تربیت دینی است. «تربیت دینی» عبارت است از: مجموعه ای از اعمال عمدی و هدفدار به منظور آموزش گزاره های معتبر دین به افراد، به نحوی که آنان در عمل و نظر، به آن آموزه ها متعهد گردند. از این رو، در توجه به این حقیقت، تمامی اعمال و رفتار انسانی معنا پیدا می کند. لازم به ذکر است که در زمینه رشد و تعالی اخلاق و تربیت دینی مردم، اولین گام خودسازی مربی است (یاوری، ۱۳۸۷). در ادامه به چند نمونه از روایات و احادیث امام صادق (ع) در زمینه تربیت اخلاقی اشاره می گردد.



داشتن تقوی یک مفهوم عام اخلاقی است و در صدر مفاهیم اخلاقی قرار دارد و داریوی شفا بخش بیماری های قلب و جسم است. تقوا نیرویی است روحانی که بر اثر تمرین های زیاد پدید می آید. امام صادق (ع) فرموده اند: همه بدی ها در خانه ای نهاده شده است و کلیدش را دوستی دنیا قرار داده اند و همه نیکی در خانه ای نهاده شده است و کلیدش را زهد قرار داده اند. زهد بنا بر فرمایشات امام صادق (ع) مایه آرامش و آسودگی است ایشان در این زمینه فرمودند: شیفتگی در دنیا غم و اندوه است و زهد در دنیا آسایش جسم و جان است. امام صادق علیه السلام در جایی دیگری فرمایند: از خدا پروا کنید و دیتان را با پارسایی نگهدارید (نقل از میرزا محمدی، امیر سالاری و فرمینی فراهانی، ۱۳۸۸: ۳۹).

## ۲-۲- ادب و نزاکت

وقتی سخن از ادب به میان می آید، نوعی رفتار خاص و سنجیده با افراد پیرامون (از کوچک و بزرگ و آشنا و بیگانه) در نظر می آید. این رفتار که از تربیت شایسته نشأت می گیرد به نحوه سخن گفتن، راه رفتن، معاشرت، نگاه، درخواست، سؤال، جواب و.. مربوط می شود. ادب هنری است آموختنی است می توان گفت: ادب، تربیت شایسته است. خواه مربی، پدر و مادر باشد یا استاد و مربی. امام صادق علیه السلام فرمود: پدرم مرا به سه نکته ادب کرد... فرمود: هر کس با رفیق بدهمنشینی کند، سالم نمی ماند و هر کس که مراقب و مقید به گفتارش نباشد، پشیمان می گردد و هر کس به مکان های بد رفت و آمد کند، متهم می شود. (بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۲۶۱؛ نقل از محدثی، ۱۳۸۴: ۱۳۲).

## ۲-۳- تکریم شخصیت

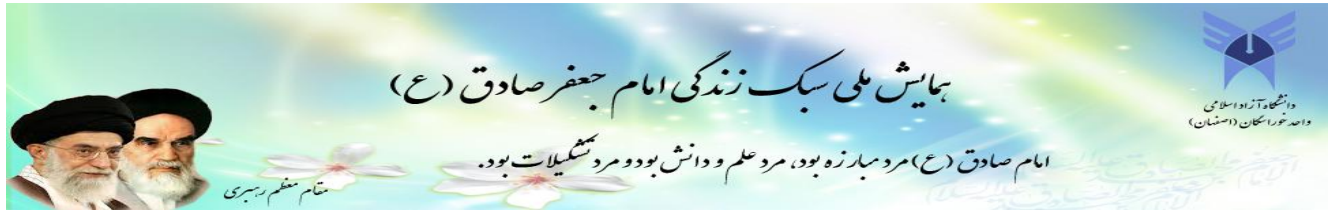
### احترام به والدین

پدر و مادر دو موجود پرارزشی هستند که در تمام دین های آسمانی و حتی مکتب های غیر الهی مورد احترام و تکریمند. قرآن و اهل بیت پیامبر ص این حس درونی انسان را که از عاطفه و عقل سرچشمه می گیرد، تحریک و با بیان مکرر و مفصل خود، ارزش آنان را آن گونه که باید و شاید یادآوری می کنند و به فرزندان دستور می دهند که لحظه ای از احترام به پدران و مادران غفلت نکنند. امام صادق (ع) می فرمایند: به پدران خود نیکی کنید تا فرزندان شما هم به این سنت مقدس عمل و به شما نیکی کنند. (محدثی، ۱۳۸۴: ۱۴۰). ابراهیم بن شعیب گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم: پدر بسیار پیر و سالخورده و ناتوان شده است. هر گاه حاجتی داشته باشد او را برمی داریم و بر دوش می کشیم. حضرت فرمود: اگر بتونی عهده دار کارهای او شوی چنین کن، حتی با دستانت لقمه بر دهان او بگذار که این فردای قیامت برای توبهت (یا سپر از آتش) خواهد بود (محدثی، ۱۳۸۴: ۲۲۷).

### احترام به ریش سفیدان

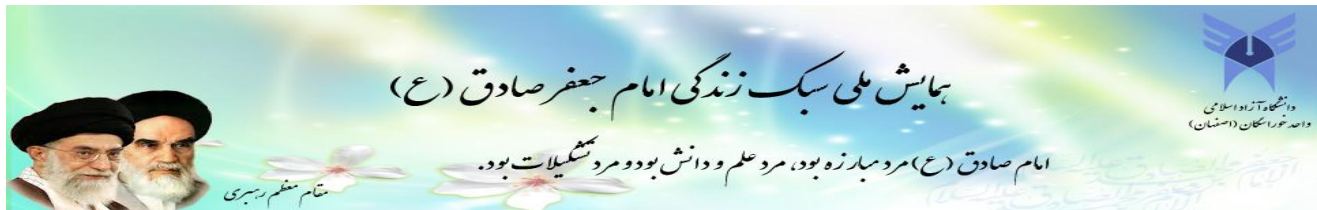
امام صادق علیه السلام است که فرمود: کسی که بزرگ ما را احترام نکند و کوچک ما را مورد شفقت و عطوفت قرار ندهد از ما نیست (بحار الأنوار، ج ۷۲ ص ۱۳۷ نقل از میرزا محمدی و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۹). یا در روایتی دیگر ایشان می فرمایند: هر کس مؤمن ریش سفیدی را سبک شمارد، خدا کسی را به سوی او می فرستد تا پیش از مردنش وی را سبک کند. (الکافی، ج ۲، ص ۶۵۸ نقل از جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۳۹۷) در حدیثی دیگر امام صادق علیه السلام می فرمایند: چهار چیز است که هر شریفی و آقایی نباید از آن دوری کند: باید در مقابل پدر در موقع ورود او برخیزد. باید نسبت به معلم خود خدمتگزاری کند. (نقل از مغنیه، ۱۳۸۲: ۹۸).

## ۲-۴- سپاس گذاری



تقدیر و سپاس ، هم ایجاد الفت و محبت و محبوبیت می کند، هم فرهنگ نیکوکاری را ترویج می کند هم موجب رضایت الهی است. ره روایت امام صادق علیه السلام در تورات چنین نوشته است:

نسبت به کسی که بر تو نعمتی داده، سپاسگزاری کن و نسبت به کسی که از تو سپاسگزاری کرده، احسان و انعام کن چرا که اگر نعمت ها سپاس شود زوال نمی پذیرد و اگر ناسپاسی شود دوام نمی یابد. شکر و سپاس موجب افزایش نعمت ها و ایمنی از تغییر و دگرگونی است. داشتن زبان و تقدیر و تشکر نرم کننده دل ها افزایشده عواطف و زادینده کدورت ها و دشمنی هاست (محدثی، ۱۳۸۴: ۲۱۴).



## ب. اهداف آموزشی

### ۱. آموزش علوم و خلق آثار علمی

در بعد آموزشی، ائمه اطهار علیهم السلام علاوه بر آموزش مبانی نظری دین به مسلمانان، در تلاش بودند تا آنان را به فراگیری علم و دانش در زمینه‌های گوناگون و مورد نیاز جامعه از جمله قرآن، فقه و مباحث اعتقادی تشویق کنند و بدین وسیله، با خلق آثار علمی، کمیت و کیفیت دانش اسلام را به عنوان آیینی فرهنگ و تمدن ساز معرفی کنند. آنان در این راه، دانش پژوهانی تربیت نمودند که آثار علمی با ارزشی در عرصه‌های گوناگون به وجود آوردند؛ چنان که حتی گاهی ائمه اطهار علیهم السلام با اصلاح و بررسی نوشته‌های شیعیان، آنها را آماده نشر می‌ساختند **عبدالله حلبی** کتاب خود را به امام صادق علیه السلام عرضه داشت و امام علیه السلام آن را تصحیح کردند (نقل از یآوری، ۱۳۸۷)

### آشنایی با برخی از شیوه های تعلیم و تربیت در سیره امام صادق علیه السلام

#### ۱. تربیت شاگردان برجسته

با توجه به جو اختناق در مرکز خلافت اسلامی و ستم بنی امیه و بنی عباس و ممانعت آنها از نقل حدیث و اجرای حقیقی اصول و مبانی اساسی اسلام، ائمه اطهار علیهم السلام در ابعاد سیاسی، علمی و اجتماعی مجال کافی در تحقق اهداف خویش نداشتند. بنابراین، آنان اگر چه با مردم در ارتباط بودند، اما در آن شرایط سخت، که دستگاه حاکم مانع اهدافشان بود، بر آن شدند تا به تربیت شاگردان برجسته‌ای بپردازند و از طریق، آنان به آموزش و تربیت مردم همت گمارند.

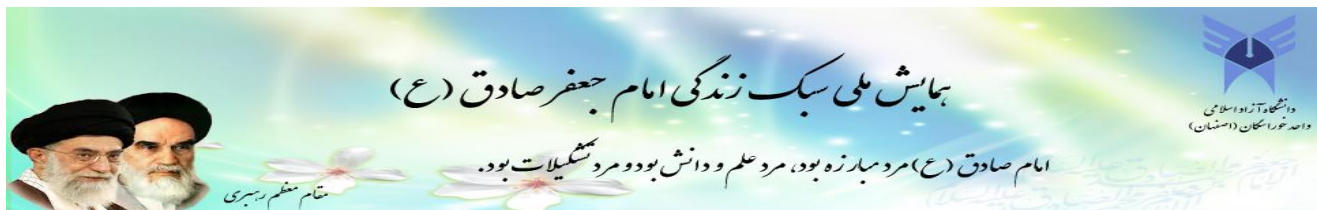
در زمان امام صادق علیه السلام، شاگردان بسیاری برای استفاده از محضر آن حضرت از مناطق گوناگون، رهسپار مدینه می‌گردیدند و پس از فراگیری علم، یا در آنجا ماندگار می‌شدند و یا به مناطق خود بازمی‌گشتند؛ چنان که **محمد بن مسلم کوفی** مدت چهار سال در مدینه از محضر امام باقر و امام صادق علیهما السلام بهره‌برد و سپس به موطن خود بازگشت. (شیخ طوسی، ج ۱، ص ۳۹۱، ش ۲۸۰).

روش ائمه اطهار علیهم السلام، به ویژه امام صادق علیه السلام، به گونه‌ای بود که شاگردان خود را به سمت اجتهاد سوق می‌دادند تا در مناطق گوناگون جهان اسلام و در هنگام عدم دسترسی مردم به پیشوایان دین علیهم السلام، به تعلیم و تربیت آنان بپردازند. **بدین روی، جمیل بن دراج و زراره** حلقه درس داشتند<sup>۱</sup> همان، ج ۱، ص ۳۴۶. و یا در جواب برخی از شیعیان، که از امام سؤال پرسیدند هنگامی که سؤال برای ما پیش بیاید به چه کسی مراجعه کنیم، امام فرمودند: چرا به **محمد بن مسلم ثقفی** مراجعه نمی‌کنید که او نزد پدرم، وجیه و محترم بود و از او حدیث شنیده است. (شیخ حرّ عاملی، ج ۱۸، ص ۱۰۵ نقل از یآوری، ۱۳۸۷).

#### ۲. املائی مطالب علمی

یکی از روش‌های آموزش و پرورش در ساختار آموزشی ائمه اطهار علیهم السلام، چه به طور چهره به چهره و یا از طریق شاگردان، با توجه به شرایط و موقعیت زمانی صدر اسلام، استفاده از روش «املا» برای ثبت و ضبط علم و ادب اسلامی بوده است. ائمه اطهار علیهم السلام از این روش برای آموزش شاگردان خود استفاده می‌کردند. در این شیوه، راوی و پرسشگر از امام سؤالی می‌پرسید و امام به وی می‌فرمودند: بنویس، و سپس





مطلب را املا می کردند به همین دلیل، در جلسات درس و بحث ائمه اطهار علیهم السلام، عده‌ای از اصحاب برای یادداشت برداری، به همراه نوشت افزار، در خدمت امام صادق علیه السلام بودند، زراره چنین می کرد شیخ طوسی، ص ۳۵۵). و پس از استماع کلام امام علیه السلام، آن را با عین الفاظش می نوشت. ابویصیر روایت می کند که روزی نزد امام صادق علیه السلام رفتم. امام به من فرمودند: هم اکنون گروهی از مردم بصره اینجا بودند. مطالبی را از من پرسیدند و پاسخ‌های مرا نوشتند. شما چرا نمی نویسید؟ بدان که شما نمی توانید آموخته‌های خود را نگاه دارید، مگر آنکه آن را بنویسید. (مجلسی، ج ۲، ص ۱۵۳ نقل از یآوری، ۱۳۸۷).

### ۳. مناظره و استدلال

از جمله فعالیت‌های علمی امامان معصوم علیهم السلام، شرکت در مناظره و پاسخ‌گویی به شبهاتی بود که در زمینه مسائل عقیدتی آن دوران میان مسلمانان و برخی از فرقه‌ها و دیگر مذاهب رواج داشت. این افراد گاهی برای دریافت پاسخ و گاهی برای مبارزه با عقاید امامیه به مناظره می پرداختند. هدف ائمه هدی علیهم السلام در برخورد با مناظره کنندگان، بیان و آموزش حقیقت دین، پاک‌سازی عقیده اسلامی از انحراف، و آموزش استفاده از این ابزار به شاگردان خویش بود. امام صادق علیه السلام هر یک از شاگردان خود را در علوم خاصی متخصص کرده بودند و به گزارش هشام بن سالم، هنگام مراجعه مردی از شام برای مناظره با امام صادق علیه السلام فرمودند: می‌خواهی در چه علمی (موضوعی) مناظره کنی؟ سپس امام علیه السلام در همان علم، او را برای مناظره به شاگردان خود معرفی می کردند (نقل از یآوری، ۱۳۸۷).

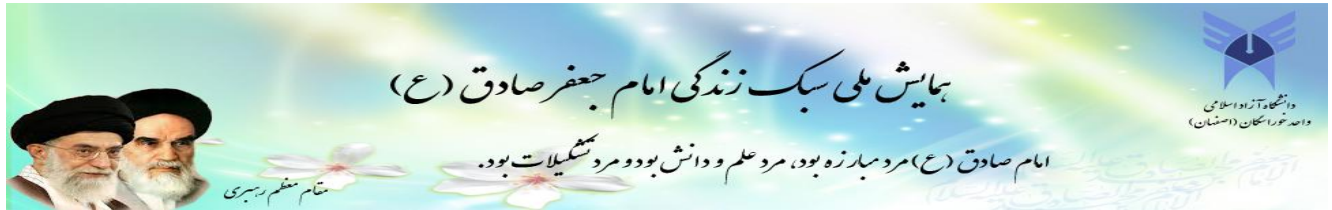
### ۴. نامه و پیمان نامه

یکی دیگر از شیوه‌ها و ابزارهای آموزشی و پرورشی ائمه دین علیهم السلام، روش «مکاتبه» و نگارش نامه بوده است. اگرچه آنان برخی آثار علمی را برای هدایت مردم به وجود آورده‌اند. امام صادق علیه السلام به اصحاب خود نامه نوشتند و دستور دادند که آن را پیوسته مطالعه کنند و به یکدیگر تعلیم دهند و بدان عمل نمایند (مجلسی، ج ۱۷، ص ۱۷۳ نقل از یآوری، ۱۳۸۷).

### ۵. خطاب و موعظه

یکی از روش‌های تربیتی بسیار مؤثر امام صادق علیه السلام استفاده از سلاح پند و موعظه در قالب‌های گوناگون بوده است. یکی از نمونه‌های آن وصیت نامه امام علیه السلام خطاب به پسر بزرگوارشان می باشد. نکات تربیتی موجود در وصیت امام صادق علیه السلام به فرزندش امام موسی کاظم علیه السلام به شرح زیر می باشد:

۱. رضایت به امر پروردگار و بی‌نیازی از غیر خداوند: پسر هر کس به آن چه خداوند نصیب او کرده راضی باشد بی‌نیاز می‌گردد و هر کس دست به سوی چیزی دراز کند که در دست دیگری است خداوند او را فقیر می‌سازد و هر کس راضی به سهم خود نباشد همیشه افسرده است.
۲. کوچک نشمردن لغزش فردی: هر کس لغزش خود را کوچک شمارد لغزش دیگران در نظر او بزرگ جلوه می‌کند و هر کس خطای دیگران را بزرگ دانست خطای خود را کوچک می‌شمارد.
۳. پرهیز از معاشرت با سفهیان: هر کس با مردم سفیه معاشرت کند حقیر می‌گردد.
۴. پرهیز از بدگویی: پسر از بدگویی مردم پرهیز تا از تو بدنگویند در کارهایی که به مربوط نیست وارد نشو تحقیر می‌شوی.



۵. دعوت به حق گویی
۶. دعوت به پیوند با قرآن کریم
۷. عمل به امر به معروف و نهی از منکر
۸. انجام صله رحم و معاشرت با مردم
۹. پرهیز از سخن چینی: تمامی دشمنی می آورد.
۱۰. پرهیز از عیب جویی از مردم.
۱۱. دعوت به معاشرت با افراد کریم و نیکوکار (نقل از مغنیه، ۱۳۸۲: ۶-۱۲۵).

## آشنایی با برخی از اصول تربیت دینی از منظر امام صادق (علیه السلام)

### - جوان گرایی

اسلام دامنه سنی آموزش را از مهد تا لحد قرار داده است. در خصوص تربیت نیز اسلام گرچه تا قبل از چهل سالگی را مهم شمرده است، محدودیتی قایل نشده است. با این همه، اسلام به همه مراحل رشد و تکامل انسان به یک چشم ننگریسته است؛ برخی دوران را بر برخی مقدم داشته و آن را از نظر تعلیم و تربیت حائز اهمیت ویژه دانسته است. در این میان، دوران جوانی برای تعلیم و تربیت دینی حساب جداگانه ای دارد.

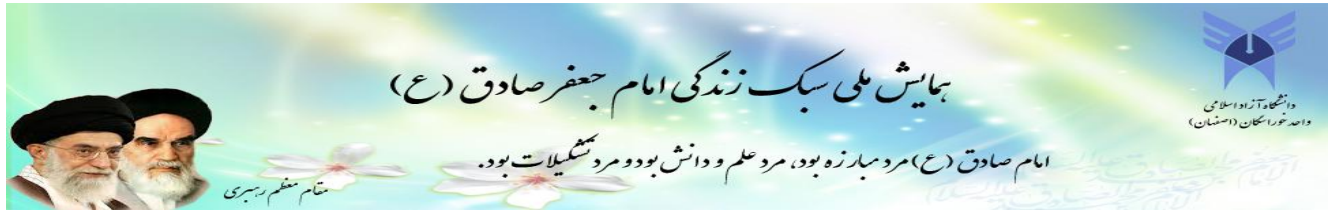
همان گونه که گذشت، یکی از زمینه هایی که جوانی در آن مورد توجه خاص قرار گرفته است، تعلیم و تربیت است. در این دوره درباره تعلیم و تربیت سفارش ویژه شده است. امام صادق (علیه السلام) در مقام اهمیت آموزش جوانان می فرماید: دوست ندارم از شما مسلمانان جوانی را ببینم که به غیر از یکی از این دو حالت صبح کند: یا عالم باشد یا جوینده علم (نقل از زهره کاشانی، ۱۳۸۸)

در روایتی دیگر، همان امام بزرگوار برای تأکید بر فراگیری معارف دینی توسط جوانان می فرماید: اگر جوانی از جوانان شیعه را به نزد من بیاورند که وظیفه خود را در شناخت دین انجام نمی دهد، او را تأدیب خواهم کرد (المحاسن، ص ۲۲۸ نقل از جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۳۹۵) در این روایت دو تعبیر شایسته تأمل است: یکی «تأدیب» که در گزاره های دینی کمتر به کار رفته است؛ و دیگری «تفقه» در دین که نشان دهنده لزوم درک عمیق دین (و نه صرفاً علامت ضرورت عمل به مناسک دینی) است.

اهمیت جایگاه جوانان از دیدگاه امام صادق علیه السلام را می توان در روایت زیر نشان داد: امام صادق علیه السلام به ابوجعفر احوال پس از بازگشت وی از بصره فرمود: استقبال مردم را از امر امامت و پذیرش آن چگونه یافتی؟ گفت: به خدا سوگند آنان اندک آنچه خواستند کردند. امام فرمود: به جوانان پرداز، زیرا آنان به سوی هر کاری خیری شتابنده ترند. (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۳۹۱). این امام شریف حتی به بحث پیشگیری از ورود جوانان به تهاجم فرهنگی نیز توجه می فرماید: امام صادق علیه السلام فرمود: جوانان را پیش از آنکه گروه های منحرف بر شما در این کار سبقت گیرند با حدیث آشنا کنید. (تهذیب الاحکام، ج ۸، ص ۱۱۱، نقل از جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۳۹۲).

### - فردمحوری





تفرد از اصول بنیادین تعلیم و تربیت است و بدین معناست که هر انسان، هر چند شباهت‌هایی با دیگران دارد، دارای خصوصیات جسمی، ویژگی‌های روانی و توانایی‌های مختص ذهنی، هوشی و ادراکی متمایز با دیگران است که او را موجودی مستقل، تام و فردی خاص می‌سازد. این ویژگی‌ها به منزله تفاوت‌های فردی، بسیار دامنه‌دار و وسیع است و در اخلاق، رفتار و استعداد افراد در ساحت‌های گوناگون زندگی کاملاً مشهود است (مشایخی، ۱۳۸۱: ۵۸). توجه به این تفاوت‌ها در ساحت تعلیم و تربیت، از اهمیتی ویژه برخوردار است. از سوی دیگر، رعایت تفاوت‌های فردی توسط معلمان و مربیان، مستلزم این است که آنان به فنون، هنرها و روش‌های گوناگون تدریس و تربیت تسلط داشته باشند، تا در برخورد با متریبان متفاوت، از شیوه‌ها و فنون متناسب با هر کدام استفاده کنند و با هر فرد با توجه به سطح فکری و روانی او مواجه شوند و با زبان خاص او سخن گویند

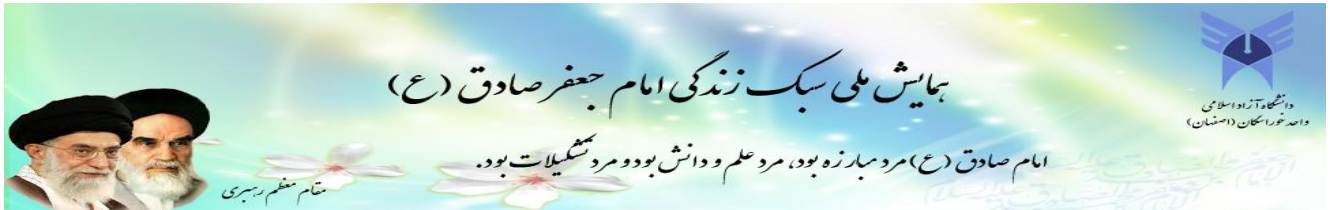
اسحاق بن عمار می‌گوید: به امام صادق (علیه السلام) گفتم: وقتی در نزد بعضی اشخاص سخن می‌گویم، سختم تمام نشده، آن شخص همه مقصودم را می‌فهمد، و کسی هم هست که وقتی با او به تفصیل کامل سخن می‌گویم، او همه را همان‌گونه که گفتم برای من بازگویی می‌کند، و با بعضی هم که (نه به تفصیل) سخن می‌گویم، می‌گوید دوباره برایم بگو (تا بفهمم). امام فرمود: ای اسحاق، می‌دانی علت آن چیست؟ گفتم: نه. فرمود: آن که پیش از اتمام سخنت، همه مقصود تو را می‌فهمد، عقل با نطفه او خمیر شده و آن که پس از اتمام سخن مشروح تو، همه را به تو برمی‌گرداند، در شکم مادر که بوده، عقل با جسم او ترکیب شده است، و اما آن که سخن خود را به تمام و کمال برای او می‌گویی، ولی می‌گوید دوباره بگو، او پس از آنکه بزرگ شده عقل با وی ترکیب شده است و از این رو می‌گوید دوباره بگو.

در روایتی دیگر امام صادق (علیه السلام) در حق معلمان دینی که این اصل تربیتی را رعایت می‌کنند و از نقل مطالبی که بالاتر از سطح درک و تحمل مخاطبشان است، خودداری می‌کنند، دعا کرده است: مدرک بن هزار گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمود: ای مدرک، خدا رحمت کند بنده‌ای که محبت مردم را به سوی ما جلب کند؛ پس از سخنان ما آنچه در سطح درک و شناخت ایشان است برای آنان نقل و از نقل سخنانی که از سطح فهم آنان فراتر است، خودداری کند (نقل از زهره کاشانی، ۱۳۸۸).

## - خانواده‌گرایی

تربیت فرزندان، از اولین امور مهم خانه، مدرسه و جامعه است. همه این عوامل در تربیت فرزندان به سمت مثبت یا منفی دخالت دارند؛ اما حقیقت آن است که تأثیر محیط خانه و خانواده از میان این عوامل، به شکلی چشمگیر در تربیت و به خصوص در تربیت دینی فرزندان افزون‌تر است، به گونه‌ای که باید آن را از دو عامل دیگر ممتاز ساخت. فرزندان امانت الهی و نعمت و نشانه‌های خدا هستند و والدین درباره سلامت، رشد و تعلیم و تربیت آنان مسئول اند و در برابر تربیت خوب پاداش و در برابر تربیت بد آنان کیفر خواهند دید. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: از حقوق فرزند پدرش این است که ۱. مادر او را از زنان شایسته انتخاب کند. ۲. نام او را مناسب تعیین کند. ۳. در تأدیب او کوشا باشد (مغنیه، ۱۳۸۲: ۱۱۰).

در تربیت امروزی، پرورش هماهنگ با تمایلات و غرایز کودک پیش می‌رود و خود بازی نقش مهمی در پرورش طفل دارد. از این رو دانشمندان آن را برای رشد جسمی و عقلی کودک، ضروری می‌دانند و معتقدند که بازی یک میل طبیعی است. پیشوایان معصوم ما در زندگی خود به این نیاز کودکان توجه کافی داشته‌اند. آنان افزون بر این که کودکان را در بازی کردن در درون کودکی آزاد می‌گذاشتند بر این نیاز کودک نیز تأکید کرده‌اند. امام صادق (علیه السلام) فرمود: فرزندان را تا هفت سالگی آزاد بگذار تا بازی کنند. (محجبه البیضاء، ج ۲، ص ۶۵، نقل از حسینی، ۱۳۸۶: ۱۹۱) ایشان در بازی کودکان شرکت می‌کرد و در هرگاه با صداقت نداشتن برخی از کودکان روبه رو می‌شد، بازی را ترک می‌کرد و با خواهش بقیه به بازی برمی‌گشت، امام در واقع از این راه، پایبندی و عمل به قوانین و مقررات و صداقت را به آن‌ها می‌آموخت (حسینی، ۱۳۸۶: ۹۳).



در روایتی از امام پنجم (ع) یا امام ششم (ع) برنامه تربیت دینی فرزند از دوران خردسالی چنین وصف شده است: «چون کودک سه ساله شود، هفت بار به او بگو: بخوان "لا إله إلا الله"، بعد واگذارش تا به سن سه سال و هفت ماه و بیست روز رسد، هفت بار به او بگویند: بگو "محمد رسول الله"، و دیگر تا چهار سالگی او را واگذار، و چون چهار سالش تمام شد، هفت بار بگوید: "صلی الله علی محمد و آل محمد" و رهایش کنید تا پنج سالگی به او گفته شود: "دست راست و چپ کدام است؟" وقتی فهمید، رو به قبله واداشته شود و سجده کند، و باز واگذارش کنید تا شش سالگی. چون شش ساله شد، رکوع و سجود آموزد تا هفت ساله شود. در این سن دستور دهند تا دست و صورت را بشوید، وضو بگیرد، بعد به نمازش وادارند؛ و چون نه ساله شد، وضو یادش دهند و اگر ترک کرد تنبیه شود و به نماز فرمانش دهند، و بر ترک آن تنبیه اش کنند؛ و چون نماز و وضو فراگیرد، والدینش آمرزیده شوند إن شاء الله» (نقل از زهره کاشانی، ۱۳۸۸).

متأسفانه امروزه خانواده‌ها، حتی در جامعه اسلامی معاصر، به دلیل نداشتن مهارت‌های لازم در مسیر تربیت دینی فرزندان با چالش‌های بسیار جدی مواجه هستند؛ مشکلاتی که پیچیده‌تر شدن جوامع و ارتباطات، بر آن دامن می‌زند. مسلماً ارائه رهنمودهای لازم برای در نظر گرفتن برنامه‌های تربیتی مناسب و آموزش فنون و مهارت‌های تربیتی به خصوص مهارت‌های تربیت دینی در سطح درک عموم خانواده‌ها، به حل بخشی از مشکلات کنونی خانواده‌ها کمک می‌کند؛ ولی بخش دیگر آن مستلزم مواجهه منطقی با این چالش‌هاست و این امر زمانی صورت می‌پذیرد که والدین بتوانند آنها را به خوبی شناسایی کنند و به آگاهی کامل در مورد آنها برسند.

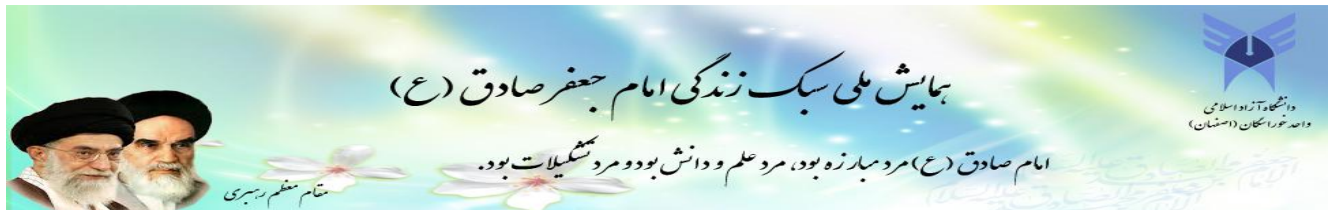
### - محبت محوری

در روایتی دیگر به فرموده امام صادق علیه السلام موسی بن عمران علیه السلام گفت: ای پروردگار من کدام یک از اعمال نزد تو بهتر است؟ فرمود: محبت به کودکان زیرا آنان را بر فطرت یگانه پرستی آفریدم و اگر آنان را بمیرانم به رحمت خود آنان را به بهشت در می‌آورم. (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۳۸۸-۹).

### - اعتدال گرایی

امید بیش از اندازه فرد را گستاخ و خوف و بیم بیش از اندازه فرد را متوقف می‌سازد لذا مربی در هر فعل اخلاقی باید در مدار اعتدال حرکت کند. از امام صادق (علیه السلام) روایت شده است که فرمود: پدرم می‌فرمود: هیچ بنده مومنی نیست مگر آن که در دلش دو نور است: نور بیم و نور امید که اگر این وزن شود از آن بیشتر نباشد و اگر آن وزن شود از این بیشتر نباشد. بهترین زمینه برای رشد و تعالی اعتدال بیم و امید است. امام صادق علیه السلام در این زمینه فرمودند: به خداوند جنان امیدوار باشد که تو را به انجام گناهان بی پروا نکند و از خدا چنان بترس که تو را از رحمت او نومید نسازد (میرزا محمدی، سالاری و فرمهبینی فراهانی، ۱۳۹۰: ۷۰). هرگز نمی‌توان حرکت‌های تربیتی را که منجر به اصلاح و تغییر رفتار در انسان می‌شوند را بدون وجود انگیزه ای آشکار ترسیم کرد، تشویق و تنبیه، پاداش و جزا و بالاخره بهشت و جهنم در تعبیر دینی نمادی روشن و عاملی اساسی برای انگیزش در انسان از رهگذر نوعی بیم و امید و ترس و عشق است. انسان با ترکیبی متعادل از بیم و امید حرکتی را آغاز می‌کند و یا از آن دست می‌کشد. هیچ گامی در جهت اصلاح و تغییر وضعیت موجود بدون گذر از میان این دو مقوله، در سطوح مختلف امکان پذیر نیست. خوف و رجا در تربیت دینی مکمل یکدیگرند و انسان را از یأس و غرور پیراسته و به تواضع و امید آراسته می‌سازند (مشایخی، ۱۳۸۱: ۶۵).

### - انداز و تبشیر



امام صادق (علیه السلام) در این زمینه می فرماید: خدا برای کسی که از او بترسد ضامن شده است، آنچه را خوش ندارد از او بگرداند و آنچه را او دوست دارد بدو رساند و او را از جایی که گمان نمی برد روزی دهد. مبدا از کسانی باشی که بر مردم از گناهی که کرده اند می ترسد و از گناه خود ایمن به سر می برد. با فریب به بهشت خدای درنتوان شد (میرزا محمدی، سالاری و فرمehنی فراهانی، ۱۳۹۰: ۷۱). کلام تشویقی و آفرین و مرحبا گفتن بر عمل شایسته دیگری از اینگونه صالحات است از کلام امام صادق علیه السلام بشنویم: هر کس به برادر مؤمن خود مرحبا بگوید، خدای متعال تا روز قیامت برای او مرحبا و آفرین می نویسد (محدثی، ۱۳۸۴: ۳۸).

## - نظارت مداری

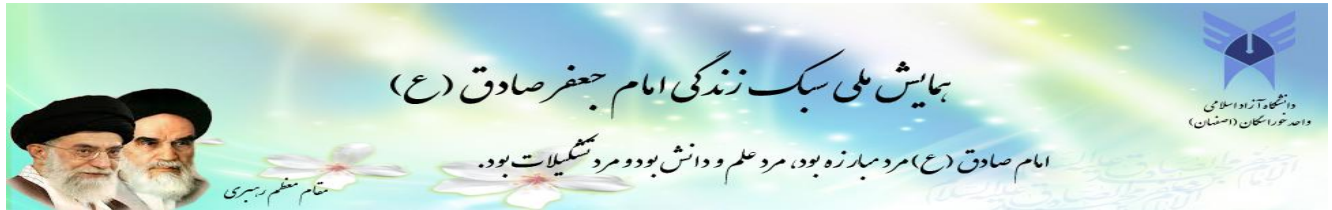
یکی از روش های کارآمد در امر تربیت، نظارت بر امور تربیتی است. نظارت دینی، نظارتی آگاهانه و هوشیارانه است که متربی می داند همواره رفتار و حرکات او تحت نظارت دقیق الهی است و در آینده باید پاسخگوی اعمال و رفتار خود باشد. چنین نظارتی می تواند تأثیر ویژه ای بر شخصیت و رفتار وی داشته باشد. (مشایخی، ۱۳۸۱: ۶۴). یکی از روش های مهم خودسازی، حسابرسی از خود است این که انسان به حساب رسی نفس خویش بپردازد از سفارش های امام صادق علیه السلام می باشد. امام میفرماید: از هوی و هوس های خود پرهیزید، همچنان که از دشمنان خود پرهیز می کنید و یا می فرمایند بر هر مسلمانی که ما ائمه را می شناسند واجب است که کارهای شبانه روز خود را به وجدان خود عرضه کند و محاسب خود باشد اگر در اعمال خود نیکی دید آنرا بیشتر نماید و اگر گناهی دید از آن توبه کند تا روز قیامت خوار نگردد (میرزا محمدی، سالاری و فرمehنی فراهانی، ۱۳۹۰: ۶۹).

## - فطرت گرایی

بخش اصلی و اساسی هدف تعلیم و تربیت اسلامی، شکوفایی فطریات انسان است در این نظام، شکوفایی هدفی است برای همه انسان ها. همه می توانند به شکوفایی دست یازند. انسان ها برای شکوفا شدن، باید خود را کشف کنند؛ قدم اول در این راه، باور داشتن جنبه های ذاتی و پنهان وجود آدمی است. قدم دوم این است که به انسان یاد داده شود چگونه هویت خود را باز شناسد، چگونه خویش را شکوفا سازد، برای شکوفایی چه چیز مفید و چه چیز تضعیف کننده و آلوده ساز آن است، چه چیز را انتخاب کند و چه چیز را نادیده انگارد، چه چیز را انجام دهد و از چه چیز دوری جوید. یکی از تدابیر الهی در مورد انسان ها این است که خداوند آنها را بر اساس فطرت الهی آفریده است. فطرت گرایی و همسویی با فطرت، اصل مسلم تعلیم و تربیت دینی است و همه تدابیر، برنامه ها، اهداف و تحقیقات تربیتی باید بر پایه فطرت پی ریزی شوند؛ زیرا خداوند، آدمی را بر این بنیاد خواسته و سرشته و پرورش و رشد و کمال او را از این راه ممکن دانسته است. امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «... پس معرفت خدا در انسان ها ثابت شد و موقف و محل دریافت معرفت از یاد آنها رفت و بعداً متذکر خواهند شد» (نقل از زهره کاشانی، ۱۳۸۸).

## نتیجه گیری نهایی

از منظر روایات و استدلال عقلی، امامان شیعه به عنوان جانشینان پیامبر دارای وظایفی در اداره امور جامعه مسلمانان هستند. یکی از این وظایف مهم و کلیدی آموزش و تربیت دینی و علمی مردم است. امام علیه السلام نه تنها رئیس اداری، قضایی و نظامی امت است، بلکه معلم و مربی مردم در امور تربیتی نیز هست؛ امام و حاکم اسلامی موظف است معارف اسلامی و ایمانی را به افراد تحت حکومتش آموزش دهد. بررسی منابع روایی و تاریخی در سیره اهل بیت علیهم السلام، نشان می دهد که تعلیم دانش و تربیت دینی مردم دو هدف عمده در سیره ائمه اطهار علیهم السلام بوده است. کاوش در سیره امام صادق علیه السلام نیز این مهم را به دست می دهد. از جمله مسائل مهم مورد توجه امام صادق علیه السلام در بُعد تربیتی می-



توان به مسائلی همچون اصول اعتقادی دین و مذهب، احکام و قوانین شرعی و رشد اخلاق و در زمینه اهداف آموزشی نیز می توان به مسائلی همچون پرورش استعدادها و آموزش علوم گوناگون اشاره نمود.

امام صادق علیه السلام برای نیل به این مطلوب از شیوه های گوناگونی همچون تربیت شاگردان برجسته، املائی مطالب علمی، مناظره و استدلال و... استفاده می کردند. ایشان با ارائه و بیان اصول تربیت دینی، وظایف و بایسته های لازم برای مربیان را مشخص نموده و سایرین را برای انتخاب یک مربی و معلم خوب راهنمایی نموده اند. برخی از این اصول عبارتند از: جوان گرایی، خانواده گرایی، محبت گرایی، فطرت گرایی و...

به طور کلی می توان این نتیجه را استنتاج نمود که سیره امام صادق علیه السلام به عنوان پیشوای ششم همه شیعیان و مسلمانان در جامعه امروزی منبع و مأخذ بسیار مناسبی برای تعلیم و تربیت دینی به شمار می آید به گونه ای که می توان در تمامی جنبه های تعلیم و تربیت دینی اعم از اجتماعی، اخلاقی، فردی و... از آن به نحو احسن بهره برد.

## منابع و مأخذ

۱. اصفهانی، عمادالدین حسین؛ عمادزاده، شهریه، ۱۳۶۷، زندگی حضرت ابی عبدالله امام جعفر صادق علیه السلام، تهران: نشر محمد، انتشارات گنجینه.
۲. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۱، مفاتیح الحیاه، تحقیق و تنظیم، محمد حسین فلاح زاده، یدالله مقدسی، سید کمال الدین عمادی، محمود لطیفی دو جعفر آریانی، قم: اسراء.
۳. حسینی، داوود، ۱۳۸۶، روابط سالم در خانواده، قم: بوستان کتاب.
۴. خالق خواه، علی؛ مسعودی، جهانگیر (۱۳۸۹)، رویکرد تربیت دینی با توجه به دو مولفه عقل محوری و ایمان محوری. مطالعات تربیتی و روانشناسی، ۱۱ (۲)، ۱۴۴-۱۲۱.
۵. زهره کاشانی، علی اکبر، ۱۳۸۸، اصول تربیت دینی از منظر آیات و روایات، اسلام و پژوهش های تربیتی ۲، سال اول، شماره دوم، ۱۶۹-۲۰۲.
۶. عربی، حسینعلی، ۱۳۹۰، راهکارهایی برای تقویت امانت داری در بعد فردی و اجتماعی، دوفصلنامه تخصصی اسلام و علوم اجتماعی، س ۳، ش ۵، ص ۱۸۴-۱۶۳.
۷. محدثی، جوادی، ۱۳۸۴، اخلاق معاشرت، قم: بوستان کتاب.
۸. مشایخی، شهاب الدین، ۱۳۸۱، اصول تربیت از دیدگاه اسلام، سال هشتم، شماره ۳۲.
۹. مغنیه، احمد، ۱۳۸۲، زندگانی حضرت امام جعفر صادق علیه السلام، ترجمه جعفر غضبان، تهران: دنیای کتاب.
۱۰. میرزامحمدی، محمد حسن؛ رسولی، رحیمه، ۱۳۸۹، تربیت ولایی، اصلیتربین مبنای تربیت دینی، اسلام و پژوهش های تربیتی، سال دوم، شماره اول، ص ۴۵-۷.
۱۱. همت بناری، علی، ۱۳۹۰، رابطه تعلیم و تربیت با تکیه بر دیدگاه اسلام، اسلام و پژوهش های تربیت، سال سوم، شماره دوم، صفحه ۵۶-۳۷.
۱۲. یآوری، محمدجوادی، ۱۳۸۷، تعلیم و تربیت در سیره ائمه اطهار (علیهم السلام)، معرفت، سال هفدهم، شماره ۷ (پیاپی ۱۳۰).